

## کندوکاو روش‌شناختی در پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق

زهرا حاجی شاه‌کرم\*

باقر ساروخانی\*\*، حسین آقاجانی مرسا\*\*\*

### چکیده

هدف این مقاله کندوکاو نقادانه درباره چهارچوب روش‌شناختی پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق است. مسئله اصلی عبارت است از این‌که آیا توجه‌ناداشتن به روش‌شناسی پژوهش‌های صورت‌گرفته با محوریت طلاق تأثیری در غنا و عدم‌غنای پژوهش‌های آینده خواهد داشت. بر این اساس، این پژوهش از روش اسنادی و تحلیل محتوا بهره گرفته است. کوشش بر آن است تا به معرفی و شفاف‌سازی و نقد روش‌مند، که فراتر از تکنیک صرف است، درمورد پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق پرداخته شود. از این رو، در این مقاله، علاوه بر بیان روش‌شناسی بنیادین و پارادایمی و کاربردی، که بیش‌تر پایان‌نامه‌ها از آن‌ها بی‌بهره‌اند، این روش‌شناسی‌ها اجرا شده است. همچنین، پایان‌نامه‌ها از نظر ساختاری و مؤلفه‌های مربوط به موضوع مانند برهه زمانی، دسته‌بندی موضوعی، دیدگاه جنسیت‌محوری بررسی شده است.

**کلیدواژه‌ها:** پایان‌نامه با محوریت طلاق، روش‌شناسی بنیادین، روش‌شناسی پارادایمی، روش‌شناسی کاربردی.

### ۱. مقدمه و بیان مسئله

مطالعه خانواده به‌طور عام و مسئله طلاق به‌طور خاص به‌گونه‌ای است که با بسیاری از رشته‌های دیگر نظیر جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست، فقه آمیخته است. در علوم انسانی،

---

\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گروه‌های اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، za.hajishahkaram@gmail.com

\*\* استاد جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
b.saroukhani@yahoo.com

\*\*\* دانشیار جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، hos.aghajani@iauctb.ac.ir  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۲۰

روش‌ها و فنون نمونه‌گیری از پژوهشی به پژوهش دیگر تفاوت دارد. این ویژگی‌ها سبب شده تا به‌ویژه در موضوع این تحقیق، یعنی طلاق، انبوهی از پژوهش‌ها بر هم انباشته شوند، بی‌آن‌که به مسائل روش‌شناختی آن توجه درخوری شود. این وضع بحرانی در پژوهش‌های علوم اجتماعی مختص به ایران نیست، بلکه در کشورهای پیش‌رفته هم بوده است (Hunter and Schmidt 2004).

نگارش پایان‌نامه، مهم‌ترین بخش از فعالیت‌های دانشجویان در تحصیلات تکمیلی، به‌مثابه ابزاری است که تصویری از دانشجو را در محافل علمی به‌نمایش می‌گذارد. به مجموعه پایان‌نامه‌های حوزه مطالعاتی خانواده (طلاق)، که بخشی از کارنامه پژوهشی است، می‌بایست در دوره‌های زمانی مختلف برای ترسیم تصویر از مسیر طی‌شده نگرین تا نقاط قوت و ضعف پایان‌نامه‌های قبلی را به‌مثابه ابزار راه‌گشای پژوهش‌های آینده نشان داد. هم‌چنین توسعه علمی و فرهنگی به پژوهش‌ها بستگی دارد. از این‌رو، کندوکاو روش‌شناختی می‌تواند در ترسیم مسیر تحقیقاتی حوزه طلاق سهم مهمی داشته باشد. به‌عبارتی، روش‌شناسی هویت پایان‌نامه را نشان می‌دهد.

بنابراین، در این مقاله، بحث بر سر درستی یا نادرستی و غنای محتوای پژوهش‌ها، ترکیب و تلفیق نتایج تحقیقات انجام‌شده در پژوهش‌های مرتبط با طلاق برای شناسایی نتایج آن‌ها و تدوین نظریه و مدل‌های تجربی جدید نیست، بلکه مقاله حاضر تلاشی است گذشته‌نگر و انتقادی درخصوص پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق در ایران که از جنبه روش‌شناسی بنیادین و پارادایمی و کاربردی آن‌ها را بررسی و نقد می‌کند.

## ۲. تعاریف مفهومی

**الف) روش‌شناسی بنیادین (fundamental methodology):** روش‌شناسی بنیادین ناظر به روشی است که نظریه و حوزه‌های پیمایشی در مسیرش تولید می‌شود. بنابراین، روش‌شناسی بنیادین مقدم بر روش‌شناسی پارادایمی و کاربردی است (پارسانیا ۱۳۹۲). روش‌شناسی بنیادین رویکردها و مکاتب و نظریه‌های متناسب با خود را پدید می‌آورد و معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، هستی‌شناسی را در بر دارد (پارسانیا ۱۳۹۰).

**ب) روش‌شناسی پارادایمی (paradigmatic methodology):** مقصود از روش‌شناسی پارادایمی منطق و شیوه تحلیل از موضوعات و مسائل اجتماعی است که براساس الگو و رویکردی خاص بنیان گرفته باشد (ایمان ۱۳۹۰؛ Sarantakos 1998).

ج) **روش‌شناسی کاربردی (applied methodology):** مقصود از روش‌شناسی کاربردی روش‌هایی است که تحت تأثیر پارادایم‌ها و هم‌چنین بنیادهای معرفتی است که در حوزه میدان عمل پدید می‌آید (ایمان ۱۳۹۰).

د) **پایان‌نامه با محوریت طلاق (Divorce-Oriented Theses):** منظور پایان‌نامه‌های دانشگاه دولتی، با محوریت طلاق، در رشته‌های گوناگون است که درباره یکی از حوزه‌های مرتبط با طلاق نظیر اجتماعی، اقتصادی، فقهی - حقوقی توسط دانشجویان ارشد و دکتری انجام گرفته است.

### ۳. اهداف پژوهش

پدیده‌های مورد مطالعه در علوم اجتماعی و انسانی مانند طلاق، انسان را موضوع اصلی تحقیق در نظر می‌گیرند. پس، نمی‌توان در چهارچوب مطالعه واحد به بررسی و تبیین آن پرداخت. از این رو، پژوهش‌گران این مقاله برای شناخت روش، حوزه‌ها، رشته‌ها، دسته‌بندی زمانی - موضوعی از نقد روش‌مند بهره گرفته‌اند. هنگامی که بسیاری از پژوهش‌ها با موضوعی نظیر طلاق به جامعه ارائه شده باشد، کندوکاو روش‌شناختی می‌تواند انجام گیرد. از طرفی می‌توان آن‌ها را با دیدگاه انتقادی بررسی کرد و می‌بایست دست‌کم به لحاظ کمی، تعداد تحقیقات در این نقد درخور توجه باشد. در نهایت، با بررسی موضوع این تحقیق به اهداف زیر می‌توان دست یافت:

۱. بررسی چهارچوب روش‌شناختی پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق؛
۲. بررسی ساختار شکلی و صوری و تاریخی پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق.

### ۴. ادبیات و پیشینه پژوهش

بسیاری از مفاهیمی که در حوزه طلاق شکل می‌گیرد موضوع محققان مطالعات خانواده با محوریت طلاق است و از این رو، امری میان‌رشته‌ای است. همان‌طور که هر یک از رشته‌های علمی روی به گسترش و تخصصی‌شدن کردند، مطالعات خود را در حوزه خانواده با محوریت طلاق با رویکرد جزئی‌نگر بررسی کردند و از تحلیل‌های خرد بهره گرفته‌اند. در این بین، پژوهش‌هایی با فراوانی کم‌تر با رویکرد کلی‌نگر و تحلیل کلی به بررسی خانواده با محوریت طلاق پرداخته‌اند که می‌توان به فراتحلیل‌ها توسط کاظمی‌پور و خوشنویس (۱۳۹۲) و یحیی‌زاده و حامد (۱۳۹۴) در این زمینه اشاره کرد. هم‌چنین، باتوجه به گستردگی

پایان‌نامه‌ها، پژوهشی انجام نشده که از منظر روش‌شناختی با رویکرد انتقادی به بررسی و تحلیل پژوهش‌های انجام‌گرفته با محوریت طلاق بپردازد.

## ۵. پرسش‌های پژوهش

این پژوهش درصدد آن است که به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. کدام یک از حوزه‌ها و رشته‌ها در مطالعات خود به مسئله طلاق پرداخته‌اند و در چه رشته‌هایی مسئله طلاق بیش‌تر مطرح شده است؟
۲. پایان‌نامه‌هایی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند اساساً بر کدام روش‌شناسی بنیادین استوارند؟
۳. پایان‌نامه‌های مورد استفاده با محوریت طلاق از نظر روش‌شناسی پارادایمی چه وضعیتی دارند؟
۴. پایان‌نامه‌هایی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند، باتوجه‌به اتخاذ روش پارادایمی خاص خود، از چه روش کاربردی در میدان عمل استفاده کرده‌اند؟
۵. باتوجه‌به انسان‌شناسی حاکم بر پایان‌نامه‌ها، نقش تجربه زیسته در این پایان‌نامه‌ها چه اندازه است؟
۶. در کدام برهه زمانی بیش‌ترین توجه معطوف به طلاق بوده است؟
۷. دسته‌بندی موضوعی پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق به چه صورت است؟
۸. پایان‌نامه‌های صورت‌گرفته با محوریت طلاق از سال ۱۳۴۹ تاکنون در ایران درمورد دیدگاه جنسیت‌محوری (زن) از چه جهت‌گیری‌ای برخوردارند؟

## ۶. روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی است و به روش تحلیل محتوا به شناسایی مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با موضوع پرداخته است. بر این اساس، تحلیل محتوای کمی باید از چهار ویژگی عینی‌بودن، منظم‌بودن، آشکاربودن، و کمی‌بودن برخوردار باشد (طالقانی ۱۳۸۱: ۹۷-۹۸). روش پرداختن اطلاعات در تحلیل محتوای کمی می‌تواند توصیفی یا توصیفی-تحلیلی باشد. در تحلیل توصیفی، براساس نوع واحد تحلیل، باید فراوانی موضوع موردبررسی در مقوله‌بندی‌ها تعیین و شمارش شود و براساس آن نتیجه گرفته شود. در این‌جا، محقق تنها

به تحلیل فراوانی می‌پردازد، درحالی که در توصیفی - تحلیلی نه تنها تحلیل فراوانی شامل شدت و وسعت و اهمیت عناصر موردنظر در محتوا می‌شود، بلکه تحلیل هم‌بستگی عناصر و مفاهیم برای انسجام و هم‌بستگی و یا گسستگی بررسی می‌شود، سپس نتیجه‌گیری انجام می‌گیرد (کرلینجر ۱۳۸۰).

## ۷. جامعه آماری پژوهش

در این پژوهش، محققان از سایت *ایرانداک* (<https://irandoc.ac.ir>) برای به دست آوردن نمونه‌ای هدف‌مند بهره گرفتند و برای کسب اطلاعات از کلمه کلیدی «طلاق» استفاده کردند. که در نهایت به ۳۱۲ پایان‌نامه دانشگاه دولتی در این سایت دست یافتند. بدین ترتیب، پس از بررسی جامع، حذف موارد تکراری و برخی پایان‌نامه‌های غیرمرتبط، دستاورد پژوهش‌گران در مجموع ۳۰۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۹ رساله دکتری با محوریت طلاق بود که در فاصله سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۹۶ در دانشگاه‌های دولتی کشور دفاع شده است. لازم به ذکر است که اطلاعات ۳ پایان‌نامه در هیچ منبع معتبر یافت نشد و در نهایت از جامعه آماری حذف شدند. هم‌چنین، پژوهش‌گران این مقاله برای دستیابی به اطلاعات پایان‌نامه‌هایی که به‌طور کامل در سایت *ایرانداک* نبود، به دانشکده مربوطه رفتند و با استفاده از مشخصات کتاب‌شناختی این پایان‌نامه‌ها اطلاعات لازم را گردآوری کردند. پس از مرور و بررسی تک‌تک پایان‌نامه‌ها، اطلاعات موردنیاز در فرم‌های مخصوص جمع‌آوری و ثبت شد. هم‌چنین ملاحظاتی در انتخاب پایان‌نامه‌ها مدنظر بود که به شرح ذیل است:

۱. تحقیق درباره یکی از موضوعات مرتبط با طلاق نظیر اجتماعی، اقتصادی، فقهی - حقوقی باشد؛
۲. تحقیق را دانشجویان ارشد و دکتری انجام داده باشند؛
۳. تحقیق از منظر بازه زمانی با محدودیت مواجه نباشد؛
۴. تحقیق از منظر اعتبار روشی و نظری حداقل معیارهای لازم را کسب کرده باشد.

## ۸. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این قسمت از مقاله به پرسش‌های مدنظر درباره موضوع پاسخ داده می‌شود.

### ۱.۸ ارتباط رشته و گرایش دانشگاهی با مسئله طلاق

برای دریافت ارتباط رشته و گرایش دانشجویان با موضوع طلاق و پرداختن به آن در این جا به این پرسش پاسخ داده می‌شود که دانشجویان کدام یک از حوزه‌ها و رشته‌ها در مطالعات خود به مسئله طلاق پرداخته‌اند و در چه رشته‌هایی به طلاق بیش تر توجه شده است. نتایج این بررسی را در جدول ۱ می‌توان مشاهده کرد.

جدول ۱. فهرست عناوین رشته‌ها و گرایش‌ها با تمرکز بر محور طلاق به ترتیب توزیع و درصد فراوانی

ردیف	قلمرو رشته‌ای	گرایش	فراوانی	درصد فراوانی
۱	الهیات و معارف اسلامی	فقه و مبانی حقوق اسلامی	۶۰	۲۱/۶۸
		ادیان و عرفان	۲	
		فقه شافعی	۲	
		قرآن و حدیث	۳	
۲	حقوق و علوم سیاسی	حقوق خصوصی	۴۹	۱۶/۱۸
		حقوق جزا و جرم‌شناسی	۱	
۳	مطالعات زنان	حقوق زن در اسلام	۹	۶/۸
		زن و خانواده	۱۲	
۴	علوم تربیتی ۱	مدیریت آموزشی	۲	۰/۶۴
۵	علوم تربیتی ۲	روان‌شناسی تربیتی	۲۹	۲۶/۹
		مشاوره و راهنمایی	۵	
		مشاوره (مدرسه، شغلی، خانواده، توان‌بخشی)	۴۹	
۶	روان‌شناسی	عمومی	۱۶	۹/۷
		بالینی	۴	
		خانواده‌درمانی	۱۰	
۷	اخلاق	فلسفه اخلاق	۱	۰/۳۲
۸	علوم پزشکی	آمار زیستی	۳	۲/۹۱
		آموزش بهداشت	۱	
		آموزش پزشکی	۱	
		مددکاری اجتماعی	۴	
۹	تربیت بدنی و علوم ورزشی	روان‌شناسی ورزشی	۲	۰/۶۴
۱۰	پرستاری	پرستاری سلامت جامعه	۱	۰/۳۲
۱۱	علوم اجتماعی	جامعه‌شناسی	۳۲	۱۳/۶۰
		جمعیت‌شناسی	۳	
		پژوهش علوم اجتماعی	۴	
		مطالعات فرهنگی	۲	
		برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی	۱	
۱۲	زبان‌شناسی	فرهنگ و زبان‌های باستانی	۱	۰/۳۲
۱۳	جمع		۳۰۹	۱۰۰

با نگاه کلی به یافته‌های جدول ۱ درمی‌یابیم که رشته علوم تربیتی ۲ با ۲۶/۹، الهیات و معارف با ۲۱/۶۸، حقوق و علوم سیاسی با ۱۶/۱۸ و علوم اجتماعی با ۱۳/۶۰ به ترتیب بیش‌ترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند. البته، قلمرو رشته‌ها و گرایش‌های آن‌ها براساس اجماع در دسته‌بندی رشته‌ها از بررسی چندسال دفترچه‌های انتخاب رشته تحصیلات تکمیلی به دست آمده است.

براساس نتایج مذکور، بیش‌ترین پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق در مراتب اهمیت به رشته‌های علوم تربیتی ۲، الهیات و معارف، حقوق و علوم سیاسی، و علوم اجتماعی اختصاص دارد، هرچند سایر رشته‌ها، نظیر اخلاق و مطالعات زنان، نیز در زمینه طلاق تحقیق کرده‌اند. نکته حائز اهمیت این‌که رشته مطالعات زنان، در سال ۱۳۷۸، با هدف تربیت متخصصانی که دارای توان‌مندی در ارائه راه‌کارها در مسائل مربوط به زنان در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی را داشته باشند، تأسیس شد. از آن زمان تا به امروز، این رشته تحولات گوناگون و چالش‌های فراوانی را گذرانده است. رشته مطالعات زنان، مانند سایر رشته‌های دانشگاهی، براساس نیاز جامعه ایران طرح شده است. با بررسی پایان‌نامه‌های رشته مطالعات زنان، با درصد فراوانی ۶/۸، درمی‌یابیم که در شرایطی که جامعه ایران با مشکلات بسیاری در زمینه طلاق و ارتباط آن با خانواده و قوانین دست‌وپنجه نرم می‌کند، می‌بایست این رشته بیش‌تر در زمینه طلاق تحقیقات علمی - پژوهشی ارائه دهد.

## ۲۸ روش‌شناسی بنیادین پایان‌نامه‌های مورد استناد

روش‌شناسی بنیادین دانش و علمی حقیقی است که متشکل از معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی و انسان‌شناسی است. روش‌شناسی بنیادین، با مشخص کردن مبانی یک نظریه، زمینه نقد‌های بنیادین را فراهم می‌آورد (پارسانیا ۱۳۹۰).

معرفت‌شناسی (epistemology) نظریه‌ای درباب معرفت یا دانش است، نظریه یا معرفتی درباره روش یا پایه دانش است و بیان می‌کند که چه‌طور انسان به معرفت از جهان اطراف خود دست یافته یا دست خواهد یافت و چه‌طور آن‌چه را که می‌دانیم، می‌دانیم. معرفت‌شناسی بنیادی فلسفی را برای ایجاد انواع معرفت مهیا ساخته که ممکن است بتوانیم آن را کسب کنیم و معیاری است برای این‌که تصمیم بگیریم چگونه معرفت می‌تواند به‌درستی و به‌صورت منطقی سنجیده شود (محمدپور ۱۳۸۹: ۴۴).

هستی‌شناسی (ontology) شاخه‌ای از فلسفه است که با ماهیت و طبیعت آن‌چه وجود دارد مرتبط است. هر پارادایم تحقیق دیدگاهی درباره ماهیت واقعیت و هستی و جهان دارد که مفروضات هستی‌شناسانه اساس آن را تشکیل می‌دهد (همان: ۳۴). هستی‌شناسی عبارت است از نظریه‌ای عام درباره این‌که چه نوع مؤلفه‌ها یا جوهره‌هایی در جهان وجود دارند و اشاره به گستره‌ای از هستی‌ها و روابطی است که درون حوزه‌ای خاص از معرفت و تخصص علمی پذیرفته می‌شود (بتون و کرایب ۱۳۸۴: ۲۱ - ۲۳). هر حوزه‌ای از معرفت هستی‌شناسی خاصی را برای طبقه‌بندی و توصیف انواع روابط یا فرایندهایی دارد که آن حوزه معرفت با آن‌ها سروکار دارد.

انسان‌شناسی (anthropology) به پارادایم‌های غالب علوم انسانی در جواب چیستی ماهیت انسان پاسخ‌های متفاوتی ارائه می‌کند. درک از انسان زمینه درک علمی از او را فراهم می‌سازد. هرگونه شناخت علمی انسان به برخورداری از مقولاتی مانند هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی نیازمند است. اگرچه بالاترین معرفت از انسان معرفت از اوست، انسان درمقام واقعیتی اجتماعی موضوع مستقل از هستی‌شناسی است و ارتباط نزدیکی با هستی‌شناسی و هم‌چنین معرفت‌شناسی دارد (پارسانیا ۱۳۹۰).

جدول ۲. ارزیابی استفاده و به‌کارگیری روش‌شناسی بنیادین در پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق

روش‌شناسی بنیادین			رشته
انسان‌شناسی	هستی‌شناسی	معرفت‌شناسی	
۱/۴۹ پرداخته‌اند ۹۸/۵۱ نپرداخته‌اند	۲/۹۸ پرداخته‌اند ۹۷/۰۲ نپرداخته‌اند	۵/۹۷ پرداخته‌اند ۹۴/۰۳ نپرداخته‌اند	الهیات و معارف اسلامی
۱۹/۰۴ پرداخته‌اند ۸۰/۶۰ نپرداخته‌اند	۹/۵۲ پرداخته‌اند ۹۰/۴۸ نپرداخته‌اند	۹/۵۲ پرداخته‌اند ۹۰/۴۸ نپرداخته‌اند	مطالعات زنان
۱۰۰ درصد نپرداخته‌اند	۱۰۰ درصد پرداخته‌اند	۱۰۰ درصد پرداخته‌اند	اخلاق
۱۴/۲۸ پرداخته‌اند ۸۵/۷۲ نپرداخته‌اند	۷/۱۴ پرداخته‌اند ۹۲/۸۶ پرداخته‌اند	۹/۵۲ پرداخته‌اند ۹۷/۰۳ نپرداخته‌اند	علوم اجتماعی
۴/۸۱ پرداخته‌اند ۹۵/۱۹ نپرداخته‌اند	۱۰۰ نپرداخته‌اند	۱۰۰ نپرداخته‌اند	علوم تربیتی ۲

باتوجه به مطالب مذکور درباره روش‌شناسی بنیادین، با بررسی و تحلیل محتوای پایان‌نامه‌ها، نتایج حاکی از آن است که از نظر فلسفه علمی، که پشتوانه ۳۰۹ پایان‌نامه است،



۳/۵۶ درصد پایان‌نامه‌ها مبانی معرفت‌شناختی دارند، ۲/۵۹ درصد مبانی هستی‌شناسی دارند و ۵/۱۸ درصد از مبانی انسان‌شناسی بهره گرفته‌اند که بر اصول موضوعی و مکتوبی بدان اشاره کرده‌اند، در صورتی که پایان‌نامه‌های ۶ رشته دیگر به روش‌شناسی بنیادین به مبانی و اصول موضوعی به‌صراحت و به‌درستی نپرداخته‌اند (جدول ۲). از آنجایی که در پایان‌نامه‌های دانشجویان با محوریت طلاق از نظریه‌های متعدد و مختلف استفاده شده است و هر نظریه به اقتضای ذات خود روشی را می‌طلبد، با توجه به تحلیل محتوای صورت گرفته، کم‌تر از ۶ درصد پایان‌نامه‌ها، به‌صورت مکتوب و متکی بر اصول روش‌شناسی بنیادین، روش مرتبط با نظریه را استفاده کرده یا فقط بدان اشاره کرده بودند، بی‌آن‌که متکی بر هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی باشد. به‌عبارتی، می‌توان گفت در کم‌تر از ۶ درصد این پایان‌نامه‌ها دانشجویان به‌مثابه یک روش‌شناس، با توجه به پیشینه و زمینه معرفتی، روش‌ها را برگزیده‌اند. همچنین، هر یک از نظریه‌های مورد استفاده در این پایان‌نامه‌ها در هر رشته، نظیر جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، ذیل یکی از فلسفه‌های موجود است که متأسفانه در ۹۴ درصد پایان‌نامه‌ها به این نکته توجه نشده بود.

### ۳۸ وضعیت پایان‌نامه‌ها از نظر روش‌شناسی پارادایمی

مقصود از روش‌شناسی پارادایمی منطق و شیوه تحلیل موضوعات و مسائل اجتماعی بر این اساس است که از چه الگو و رویکردی بهره می‌برد. روش‌شناسی پارادایمی سنخ‌شناسی‌های متفاوتی دارد که می‌توان به سنخ‌شناسی جوی هیگس، دنزین و لینکلن، بلیکی، نیومن و ساراتناکوس اشاره کرد. نویسندگان این مقاله از سنخ‌شناسی پارادایمی اثبات‌گرایی و تفسیری و انتقادی ساراتناکوس استفاده کرده‌اند تا بتوانند روش‌شناسی پارادایمی پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق را بررسی کنند.

ساراتناکوس، پژوهش‌گر حوزه علوم انسانی و اجتماعی، سه پارادایم کلی را از یک‌دیگر تفکیک می‌کند؛ پارادایم اثبات‌گرا شامل اثبات‌گرایی، پسااثبات‌گرایی، اثبات‌گرایی روش‌شناختی و منطقی، پارادایم تفسیرگرا شامل کنش متقابل نمادی، پدیدارشناسی، روش‌شناسی قومی، هرمنوتیک، روان‌کاوی، قوم‌شناسی، قوم‌نگاری، زبان‌شناسی اجتماعی، و در نهایت پارادایم انتقادی است که شامل مارکسیسم، نومارکسیسم، مکتب تضاد، و فمینیسم می‌شود (ایمان ۱۳۹۰).

اثبات‌گرایی (positivism) یا اصالت تحصیلی از رویکردهای زیربنایی پژوهش علوم اجتماعی است (فی ۱۳۸۱). برای شناخت هر مکتب، توجه به پیش‌فرض‌های زیربنایی آن

ضرورت دارد. رویکرد اثبات‌گرایی بر پیش‌فرض‌های هم‌چون وجود جهان خارج از ذهن، حکم‌فرمایی قوانین جهان‌شمول بر جهان خارجی، امکان کشف این قوانین و درنهایت معتبرترین ادعاهای علمی، ادعاهای آماری و ریاضی و کمی استوار است (یاوری و پوراسدی ۱۳۹۰: ۶۴۹).

تفسیرگرایی (interpretation) دیدگاه اصحاب اثبات‌گرا را در اندازه‌گیری جنبه‌های پدیده‌های انسانی رد می‌کند، درحالی‌که هدف را درک پدیده‌ها از منظر سازندگان آن معرفی می‌کند. به عبارت دیگر، پیروان این نظریه بر این باورند که هدف علوم انسانی فهم کنش انسانی در بافت اجتماعی آن است (Rocco et al. 2003). هم‌چنین سنت درون‌فهمی و ویژگی تفسیرگرایی در علوم انسانی توصیف شده است (Calhoun 2002).

پیروان رویکرد انتقادی (critical)، به دلیل این‌که رویکرد اثبات‌گرایی و روش‌های کمی پژوهش منتج از آن صرفاً به دنبال تبیین وضع موجود بوده‌اند، بر این باورند که روش‌های کمی پژوهش عمدتاً در خدمت توصیف و تأیید وضع حاکم‌اند. در صورتی‌که از منظر پیروان نظریه انتقادی، کسب شناخت در خدمت ایجاد تغییر در شرایط نابرابر وضع حاکم است (بازرگان ۱۳۸۵).

نتایج تحقیق حاکی از آن است که از منظر روش‌شناسی پارادایمی، ۵۱/۱۰ درصد پایان‌نامه‌ها مبانی روش‌شناسی پارادایمی از نظر اتکا به پارادایم اثبات‌گرایی، ۴۵/۲۹ درصد اتکا به پارادایم تفسیری، و ۱/۲۸ درصد پارادایم انتقادی دارند و ۲/۲۶ درصد از هر دو رویکرد اثبات‌گرایی و تفسیری به صورت ترکیبی بهره گرفته‌اند.

هم‌چنین با توجه به این‌که چهار رشته علوم تربیتی ۲، الهیات و معارف اسلامی، حقوق و علوم سیاسی، و علوم اجتماعی به ترتیب با ۲۶/۹، ۲۱/۶۸، ۱۶/۱۸، ۱۳/۶۰ بیش‌ترین درصد فراوانی رشته‌هایی را که به مسئله طلاق پرداخته‌اند شامل می‌شوند، پس با نگاهی کلان رویکرد آن‌ها به روش‌شناسی پارادایمی بررسی می‌شود.

بیش از هفتاد سال است که پژوهش‌گران علوم تربیتی کوشیده‌اند تا با تکیه بر دانش سنجش و بررسی و تحقیق در پدیده‌های روانی - تربیتی به انواع پژوهش‌ها برای نظریه‌پردازی، تحقیقات بنیادی، راه‌بردی، و کاربردی بپردازند. روان‌شناسان قرن گذشته اولین دانشمندانی بودند که، با تأکید بر روش‌شناسی پارادایمی مبتنی بر اثبات‌گرایی، به طراحی و به‌کارگیری طرح‌های عاملی در پژوهش‌های گوناگون پرداختند (Aiken et al. 1990: 721). با گذشت زمان، تحولات مهم دیگری در حوزه‌های سنجش و اندازه‌گیری و روش‌شناسی

پژوهش پدید آمد. فنونی چون نظریه تعمیم‌پذیری، مدل‌سازی معادلات ساختاری، تحلیل چندمتغیره ناپیوسته، تحلیل تطابقی (ibid.: 772). تقریباً هم‌زمان با این تحولات وسیع در اندازه‌گیری و سنجش و پژوهش در علوم تربیتی و روان‌شناسی در غرب توجه دانشمندان به این نکته جلب شد که سنجش و پژوهش‌های مبتنی بر اثبات‌گرایی، با وجود کارایی و دقت خود در مطالعات رفتارگرایانه روان‌شناسی، پاسخ‌گوی مطالعه پدیده‌های پیچیده‌تر روان‌شناسی و علوم تربیتی نیست و به همین علت، از همان نیمه قرن گذشته، کوشش وسیعی برای گسترش پژوهش‌های تفسیری آغاز شد و به‌ویژه در ربع آخر قرن گذشته میلادی به اوج خود رسید و رقیب نیرومندی برای مطالعات اثبات‌گرایی شد. علاوه بر این، پژوهش‌گران تمرکز خود را، به‌جای به‌چالش کشیدن تحقیقات مبتنی بر پارادایم تفسیری، بر چگونگی اجرای این تحقیقات قرار دادند (لطف‌آبادی و دیگران ۱۳۸۶: ۱۱۱-۱۱۴).

روش‌شناسی پژوهش در روان‌شناسی و علوم تربیتی، در سه دهه اخیر، با تغییر و تحولات بیش‌تری روبه‌رو بوده و نوآوری در این موضوع هم‌چنان ادامه دارد. پژوهش‌گران معاصر از انواع روش‌های پارادایم اثبات‌گرایی و پارادایم تفسیری بهره می‌گیرند. در پروژه‌های اخیر از طرح‌های پژوهشی ترکیبی نیز استفاده می‌شود. بنیادهای فلسفی و روش‌شناختی این پژوهش‌های تفسیری و ترکیبی با بنیادهای پژوهشی سنتی تفاوت دارد که بر استقرارگرایی و کمی‌نگری مبتنی است. توجه به این تفاوت‌ها و بهره‌گیری از روش‌های جدید پژوهشی به فهم مبانی روش‌شناسی پارادایمی پژوهش‌های روانی — تربیتی نیازمند است (همان: ۱۱۴).

یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده آن است که محققان، در پایان‌نامه‌هایشان با محوریت طلاق، در رشته‌های علوم تربیتی از طرح‌های پژوهشی سنتی استفاده می‌کنند و هنوز روش‌های مبتنی بر پارادایم اثبات‌گرایی بر پژوهش‌هایشان مسلط است. تنها ۴ پایان‌نامه در این رشته مبتنی بر پارادایم تفسیری و ۱ پایان‌نامه با هر دو پارادایم اثبات‌گرایی و تفسیری انجام گرفته است. از منظر لطف‌آبادی و همکارانش (۱۳۸۶)، تدریس «روش تحقیق» به دانشجویان روان‌شناسی، مشاوره و علوم تربیتی در هر سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکتری تقریباً بدون توجه به روش‌شناسی بنیادین و پارادایمی صورت می‌گیرد. این دانشجویان اغلب نمی‌دانند که کدام تفاوت‌های اساسی در پس رویکردهای مذکور در پژوهش‌هاست و در ظاهر این موضوع حتی چندان اهمیتی ندارد که به آن پرداخته شود.

فرض مسلم در اغلب کلاس‌های «روش تحقیق» آن است که پارادایم اثبات‌گرایی برای مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی کفایت می‌کند و نیازی به رویکردهای دیگری در تحقیقات مذکور نیست.

با بررسی و تحلیل پایان‌نامه‌های رشته الهیات و معارف اسلامی، دو نگاه و رویکرد کلی در باب تحقیق و پژوهش یافت شد. اولین رویکرد این‌که ماهیت دیدگاه‌ها، اهداف، و دستورالعمل‌ها از منظر یک دین مورد مطالعه قرار گرفته و این نوعی دیدگاه درون‌دینی است که برای بهره‌گیری از منابع، معمولاً به کتب مقدس و یا متون تاریخی و یا نقدها و تفسیرهایی که بر آن کتب مقدس نوشته شده رجوع شده است. رویکرد دوم به پژوهش این است که دین به مثابه یک پدیده در زندگی اجتماعی در نظر گرفته شده که جنبه‌های مختلف بشر و زندگی او از آن تأثیر پذیرفته است.

پایان‌نامه‌هایی که با رویکرد دوم به پژوهش پرداخته‌اند روش‌های مورد نظر رویکرد اول را به تنهایی پاسخ‌گوی تحقیق و پژوهش نمی‌دانند، بلکه در این پایان‌نامه‌ها از روش‌های دیگر در حوزه علوم انسانی بهره گرفته شده که اغلب آن‌ها اسنادی و بررسی تطبیقی کمی و کیفی است، زیرا این پایان‌نامه‌ها به مطالعات نظری در حوزه علوم اسلامی اکتفا نکرده‌اند. به عبارت دیگر، هنگامی که این پایان‌نامه‌ها رویکرد دوم را اتخاذ کردند، به مطالعه‌ای بین‌رشته‌ای تبدیل شده و روش‌های تحقیق را با توجه به این رویکرد دوم انتخاب کرده‌اند.

تحلیل تطبیقی به معنای توصیف و تبیین مشابته‌ها و تفاوت‌های شرایط یا پیامدها در بین مناطق، ملت‌ها، جوامع، فرهنگ‌ها، و مذاهب است (Smelser 2003: 645). در روش تطبیقی، هدف اصلی تبیین واقعیت‌های کلان است. مقایسه و تطبیق حائز نقش و جایگاه محوری در همه علوم تاریخی، از جمله الهیات و معارف اسلامی، است (نوذری ۱۳۸۷: ۲۳۸). مطالعه تطبیقی به دو صورت کمی با موارد زیاد و کیفی با موارد محدود سروکار دارد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که در پایان‌نامه‌های انجام‌گرفته با محوریت طلاق در این پژوهش توسط دانشجویان رشته الهیات و معارف اسلامی، از منظر روش‌شناسی پارادایمی، غلبه پارادایم تفسیری حاکم است که در بین آن‌ها ۸ پایان‌نامه با روش تطبیقی انجام گرفته است. از بین ۸ پایان‌نامه، ۲ پایان‌نامه از روش تطبیقی کمی و ۶ پایان‌نامه از روش تطبیقی کیفی بهره گرفته است. به عبارتی، محققان این دو پایان‌نامه که از روش تطبیقی کمی استفاده کرده‌اند، در قالب استراتژی قیاسی می‌خواستند تا از نظریه به تحلیل داده‌هایی برسند که

در خدمت نظریهٔ مربوط است. اما ۶ پایان‌نامه، که از روش تطبیقی کیفی بهره گرفته‌اند، در صدد دست‌رسی به الگوهای عام بوده‌اند.

در رشتهٔ حقوق و علوم سیاسی، پژوهش به‌لحاظ نوع می‌تواند جنبهٔ بنیادین یا کاربردی داشته باشد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که به‌لحاظ روش، اغلب پایان‌نامه‌های این رشته به‌صورت توصیفی - تحلیلی اسنادی است و با استناد به تحقیقات علمی گذشته و حال از قبیل کتاب‌ها و مقاله‌ها و پایان‌نامه‌هاست. در این بین، پایان‌نامه‌ای به‌شیوهٔ میدانی انجام نشده است. در شیوهٔ میدانی، پژوهش‌گر باید به محیط مورد مطالعه برود و از فعالیت‌ها و رفتارهای جامعهٔ مورد مطالعه اطلاعاتی به‌دست آورد و پس از گردآوری داده‌ها و اطلاعات به دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی آن‌ها بپردازد.

ره‌یافته‌های پژوهشی علوم اجتماعی در طی دو دههٔ اخیر بسیار متکثر شده‌اند (کرسول ۱۳۹۳). امروزه، تأکید فزاینده‌ای بر استفاده از روش‌ها مبتنی بر پارادایم تفسیری و انتقادی در علوم اجتماعی دیده می‌شود و برای این تأکیدها، توضیحات گوناگونی مطرح شده است که دامنه‌ای از قابلیت‌ها و سودمندی‌ها و نکات مثبت و امتیازات برای این روش‌ها تا عدم بهره‌گیری از آمار و ارقام یا مورد توجه بانوان بودن یا مسائل خاص را در بر می‌گیرد (Neuman 1994: 317). با توجه به یافته‌های حاصل از پژوهش، از نظر روش‌شناسی پارادایمی، ۸۴ درصد پایان‌نامه‌های رشتهٔ علوم اجتماعی مبتنی بر پارادایم اثباتی، ۱۲/۵ درصد تفسیری، ۱ درصد انتقادی، و ۲/۵ درصد ترکیبی از هر دو پارادایم تفسیری و اثبات‌گرایی است و می‌توان گفت که در این پایان‌نامه‌ها به‌اندازهٔ کافی به تحقیق مبتنی بر پارادایم تفسیری و انتقادی توجه نشده است. لازم به ذکر است که برطبق یافته‌ها، روش‌های مبتنی بر اثبات‌گرایی به‌دلیل مفروضات زیربنایی، در برخی از پایان‌نامه‌ها، کم‌ترین تناسب برای مطالعه و درک عمیق پدیدهٔ طلاق را داشتند.

#### ۴۸ روش‌شناسی کاربردی در میدان عمل پایان‌نامه‌ها

روش‌شناسی کاربردی روش کاربرد یک نظریهٔ علمی در حوزهٔ میدانی و عمل است که مرتبط با روش‌شناسی پارادایمی و بنیادین است. به این معنا، رویکردهایی مانند اثبات‌گرایی با شیوه‌ها و روش‌های متنوع و مختلف در عرصهٔ جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها و نتیجه‌گیری به‌کار گرفته می‌شود. در این قسمت، به این پرسش پاسخ داده می‌شود که پایان‌نامه‌های مدنظر این پژوهش با توجه به اتخاذ روش پارادایمی خاص از چه روش کاربردی در میدان عمل استفاده کرده‌اند (جدول ۳).

جدول ۳. توزیع و درصد فراوانی پایان‌نامه‌های جامعه‌مورد مطالعه بر حسب روش‌های تحقیق

ردیف	روش	فراوانی	درصد فراوانی	ردیف	روش	فراوانی	درصد فراوانی
۱	اسنادی	۱۲۴	۴۰/۱۲	۸	آزمایشی - تجربی	۳۰	۹/۷۰
۲	پیمایش	۵۶	۱۸/۱۲	۹	غیرآزمایشی - غیرتجربی	۶۷	۲۱/۶۸
۳	تحلیل محتوا	۱	۰/۳۲	۱۰	تحلیل تماتیک	۱	۰/۳۲
	۱۱			بررسی تطبیقی	۸	۲/۵۸	
۴	تحلیل ثانویه	۱	۰/۳۲	۱۲	ترکیبی	۷	۲/۲۶
۵	پژوهش تاریخی	۱	۰/۳۲	۱۳	کتاب‌سنجی	۱	۰/۳۲
۶	گراند توری	۱۰	۳/۲۳		جمع	۳۰۹	
۷	پدیدارشناسی	۲	۰/۶۴				

نگاه کلی به یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که روش اسنادی با ۴۰/۱۲ درصد، غیرآزمایشی - غیرتجربی با ۲۱/۶۸، تحلیل ثانویه و تحلیل محتوای کمی و پژوهش تاریخی و کتاب‌سنجی با ۰/۳۲ درصد به ترتیب بیش‌ترین و کم‌ترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند. روش اسنادی برای تحلیل آن دسته از اسنادی به‌کار می‌رود که شامل اطلاعات درباره پدیده‌هایی است که قصد مطالعه آن را داریم (Bailey 1994; McCulloch 2005). در این روش، پژوهش‌گر به دنبال واکاوی مقاصد ذهنی نیست، بلکه آن را به زبان مکتوب و نوشتاری نویسنده پذیرفته و به آن استناد می‌کند (Mogalakwe 2006; Flick 2004). با توجه به یافته‌ها، روش اسنادی هم روش مستقل و تام در پژوهش‌های رشته‌الهیات، حقوق و اخلاق به‌کار گرفته شده است و هم به‌صورت مکمل در رشته‌های علوم اجتماعی، مطالعات زنان، علوم تربیتی و روان‌شناسی در کنار سایر روش‌ها به‌کار رفته است. به‌عبارتی، پژوهش‌گران داده‌های خود را از طریق منابع و اسناد گرد آورده‌اند. اغلب پژوهش‌گران پایان‌نامه‌های رشته‌های علوم اجتماعی بخش درخور توجهی از پژوهش‌های نظری خود را با توجه به این روش مکمل نوشته‌اند، زیرا چنین روشی توانسته است شیوه لازم را برای بررسی پیشینه پژوهش فراهم آورد. با توجه به این‌که روش اسنادی بررسی میدانی یا مشارکتی نیست، اغلب محققان رشته علوم اجتماعی از روش‌هایی بهره برده‌اند که بر کنش پژوهش‌گر استوار بوده و یا به‌نوعی ابزار تحقیق به‌شمار رفته است. پس، می‌توان گفت که محققان مطالعات زنان و علوم تربیتی و روان‌شناسی، به‌ویژه علوم اجتماعی، بیش‌تر در قسمت مرور پژوهش‌های پیشین و چهارچوب نظری از روش اسنادی بهره می‌گیرند. در صورتی که پژوهش‌گران برخی

رشته‌ها، نظیر الهیات و حقوق، روش اسنادی را به صورت روش مستقل برای تحقیق به کار می‌گیرند و همین امر سبب می‌شود تا بازه زمانی محقق فراتر رود و امکان کاوش تفسیری درباره موضوع پیشین نیز فراهم شود. به عبارتی یک پژوهش می‌تواند براساس روش اسنادی طراحی و اجرا شود و یا فقط در بخشی از پژوهش به کار گرفته شود.

پیمایش یکی از روش‌های تحقیق اجتماعی است که از طریق آن می‌توان داده‌های گسترده‌ای را درباب باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، کنش‌ها، و سایر اطلاعاتی که درباره صفت‌های فرد باشد گردآوری کرد. هم‌چنین، می‌توان درباب صفاتی که ویژگی نظام باشند، اطلاعات دست‌اول جمع‌آوری کرد (عضدانلو ۱۳۸۸؛ ساعی ۱۳۸۷؛ ازکیا و دربان ۱۳۸۲). باتوجه به یافته‌های به دست آمده، اغلب محققان علوم اجتماعی، به نسبت سایر رشته‌های دیگر مندرج در جدول ۳، از روش پیمایش در پژوهش‌هایشان بهره گرفته‌اند، زیرا اساس تحقیق پیمایشی مبتنی بر تعمیم اطلاعات حاصل از بخش کوچکی از جامعه تحت عنوان نمونه به کل جامعه آماری است و این جنبه مهم‌ترین وجه تمایز تحقیق پیمایشی از سایر روش‌های تحقیق، از نظر پژوهش‌گران پایان‌نامه‌های مرتبط با طلاق، است.

در کل، می‌توان گفت در اغلب پایان‌نامه‌ها میان روش‌شناسی بنیادین و پارادایمی و کاربردی هماهنگی و تطابق برقرار نبود یا به مبانی و اصول موضوعی آن‌ها واقف نبودند یا اساساً اشاره‌ای بدان‌ها نشده بود. اهمیت این مسئله را می‌توان در کلان‌ترین تا جزئی‌ترین روش و ابزار تحقیق در این پایان‌نامه‌ها دید. در برخی از پایان‌نامه‌ها، برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده بود. این درحالی است که این روش درمورد پژوهش‌هایی است که هدف تخمین میانگین جامعه باشد. در صورتی که در این پایان‌نامه‌ها از تحلیل عاملی استفاده شده بود. پس، به حجم نمونه موردنیاز با آزمون بارتلت کفایت می‌شد نه با فرمول کوکران.

## ۵۸ نقش تجربه زیسته در پایان‌نامه‌های مورد استناد

در این قسمت، به این پرسش پاسخ داده می‌شود که باتوجه به دیدگاه انسان‌شناسی حاضر در پایان‌نامه‌ها نقش تجربه زیسته چه اندازه است. این مبحث غیر از مباحث مطرح در روش‌شناسی بنیادین در بخش انسان‌شناسی است. این بخش در واقع می‌خواهد به این جنبه از انسان‌شناسی پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق بپردازد که نقش کنش‌گر شناسایی روابط پدیده مورد مطالعه با استفاده از تظاهرات بیرونی است یا فهم پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی و فهم ماهیت تجربه یا تغییرات هدف‌مند براساس خلاقیت انسان تحت سلطه است.

پایان‌نامه‌ها اساساً با انسان‌شناسی فلسفی خاصی مرتبط با روش‌شناسی بنیادین و روش‌شناسی پارادایمی هدایت می‌شوند. در پژوهش‌های مبتنی بر اثبات‌گرایی، انسان‌شناسی هدایت‌کننده تحقیق است که به موجب آن نظم و واقعیت اجتماعی «بیرونی» تلقی می‌شود و نقش کنش‌گر یا محقق شناسایی نظم روابط پدیده مورد مطالعه به وسیله تظاهرات بیرونی آن است. علاوه بر این، در این دیدگاه، کنش اجتماعی بیش از آن‌که تحت تأثیر اندیشه انعکاسی فاعل باشد، از عوامل اجتماعی تأثیر می‌گیرد و ماهیت انسان منفعَل تلقی می‌شود (ذکایی ۱۳۸۱). به عبارتی، انسان‌شناسی منفعَل طلبانه حاکم است.

اما، در پژوهش‌های مبتنی بر پارادایم تفسیری، انسان‌شناسی آگاه‌مندانه، که هدایت‌کننده تحقیق است، کنش اجتماعی را تحت تأثیر اندیشه انعکاسی فاعل می‌داند و ماهیت انسان انفعالی است و نقش کنش‌گر، به جای این‌که شناسایی نظم روابط پدیده مورد مطالعه با استفاده از تظاهرات بیرونی آن باشد، فهم ماهیت تجربه زیسته (lived experience) یا فهم پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی و یا فهم زبان و پدیده‌های ارتباطی است (گال و دیگران ۱۳۸۳). در روش‌های کمی، نظیر پیمایش و فن پرسش‌نامه گفت‌وگویی مبتنی بر پرسش‌نامه میان محقق و جامعه مورد مطالعه برقرار می‌شود. نقطه‌هایی که اتصال ذهنی میان محقق و جامعه مورد مطالعه است فقط پاسخ‌دادن به گزاره‌هاست و آنچه جای خالی آن در این میان احساس می‌شود، تجربه افراد است که باعث می‌شود شناخت محقق از موضوع محدود شود و ماهیت پدیده‌ها ناشناخته بماند. درحالی‌که در روش‌هایی نظیر گراندد تئوری و پدیدارشناسی محقق از طریق یاری‌جستن از فن‌هایی مانند مصاحبه و مشاهده می‌تواند به قلمرو تجربه زیسته جامعه پژوهش دست یابد. تجربه زیسته درکی مستقیم و بی‌واسطه است که سبب می‌شود محقق به فهمی در بافت یا موقعیتی معین برسد. آنچه در مورد برخی موضوعات تحقیق حائز اهمیت است این‌که پرسش‌های بسته نمی‌تواند تجربه را برتابد.

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که انسان‌شناسی فلسفی‌ای که برای هدایت پایان‌نامه‌ها به کار گرفته شده است نقش محقق را شناسایی نظم روابط پدیده مورد مطالعه با استفاده از تظاهرات بیرونی آن و شناسایی و فهم پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی و زبان و پدیده‌های ارتباطی و ماهیت تجربه زیسته انسان می‌داند، اما آنچه در این سؤال اهمیت دارد نقش تجربه زیسته در این پایان‌نامه‌هاست.

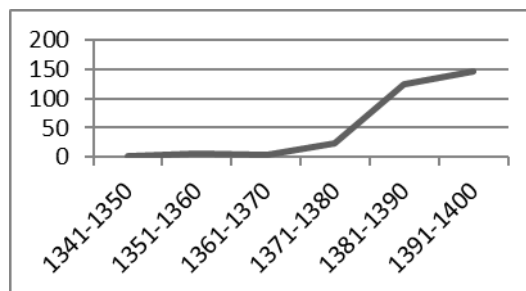
در این پژوهش، ۱۶ پایان‌نامه به‌نوعی از قلمرو تجربه زیسته بهره گرفته‌اند که در این میان، فقط ۲ پایان‌نامه بر کشف و توصیف و تفسیر این تجربه‌ها تأکید داشته است. از منظر محققان این مقاله، آنچه پژوهش‌گران، به‌ویژه دانشجویان، را از بهره‌گیری از این روش



بازمی‌دارد، مباحث فلسفی این روش است. درست است که برخی مباحث فلسفی این روش ترجمه‌های روان و سلیسی ندارند، اما کافی است که پژوهش‌گر درکی روشن از معنا و مفهوم این روش داشته باشد و بتواند همانند سایر روش‌های مبتنی بر پارادایم اثباتی و تفسیری آن را در عمل اجرا کند.

### ۶۸ توجه به موضوع طلاق در پایان‌نامه‌ها در طی ۶۰ سال اخیر

روند رشد و افول پرداختن پایان‌نامه‌ها به موضوع طلاق حائز اهمیت است، از این رو در این جا به این پرسش پاسخ داده می‌شود که در کدام برهه زمانی، بیش‌ترین توجه به موضوع طلاق بوده است؟



نمودار ۱. روند رشد و افول پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق

بر اساس نمودار ۱، پایان‌نامه‌های با موضوع طلاق، بین سال‌های ۱۳۹۱ - ۱۴۰۰ و پیش از آن در سال‌های ۱۳۸۱ - ۱۳۹۰، ۱۳۷۱ - ۱۳۸۰، ۱۳۵۱ - ۱۳۶۰، ۱۳۴۰ - ۱۳۵۰ هریک به ترتیب با ۱۳۹، ۲۴، ۴، ۶، ۳ از بیش‌ترین فراوانی برخوردارند.

به عللی پژوهش‌گر دارای انگیزه می‌شود تا پایان‌نامه خود را با محوریت طلاق انتخاب کند. می‌تواند اندیشه‌ای ذهن پژوهش‌گر را به آن سو سوق داده باشد تا پایان‌نامه‌ای را با این موضوع به رشته تحریر درآورد. علل دیگر مانند علاقه محقق به موضوع، رخدادی خاص، یا تجربه شخصی پژوهش‌گر ممکن است از انگیزه‌های پژوهش درباره طلاق باشد. دریافته شد که فراوانی پایان‌نامه‌ها در دوره‌های زمانی تغییر کرده و در زمان‌هایی فراوانی آن افزایش یافته است (نمودار ۱).

با استناد به نتایج تحقیق، فراوانی پایان‌نامه‌ها با موضوع طلاق در سال‌های ۱۳۹۱ - ۱۴۰۰ از بالاترین میزان برخوردار است. مهم این‌که نخست با توجه به تغییرات فراوانی پایان‌نامه‌ها در دوره‌های زمانی مختلف دریافته شد که ۲/۲۶ درصد پایان‌نامه‌ها پیش از انقلاب اسلامی

نوشته شده‌اند و ۱/۹۴ درصد پایان‌نامه‌ها به سال‌هایی برمی‌گردد که جامعه ایران در شرایط سیاسی و اقتصادی جنگ تحمیلی و بازگشایی دانشگاه‌ها به سر می‌برده است. پس، بیش‌ترین درصد پایان‌نامه‌ها به سال‌های بعد از اتمام جنگ و آغاز دوره بازسازی اختصاص دارد. دوم، از افزایش رو به رشد پایان‌نامه‌ها با موضوع طلاق دریافته می‌شود که طلاق، علاوه بر این که به معنای عام کلمه باعث جدایی زن و مرد می‌شود، از اواسط دهه ۱۹۷۰ در ایران، بر اثر گسترش وسایل ارتباط جمعی، رویارویی بیش‌تر مردم با فرهنگ‌های غربی، کم‌شدن قبح طلاق در میان مردم، آگاهی روزافزون زنان سبب شد تا طلاق در ایران افزایش یابد. از آن‌جا که طلاق در اغلب موارد تأثیرات مخرب در زن و مرد و فرزندان می‌گذارد و در واقع آسیب اجتماعی دانسته می‌شود که در جامعه هم تأثیرات نامطلوب می‌گذارد، مطالعه درباره عوامل طلاق بیش از پیش ضرورت دارد.

## ۷.۸ دسته‌بندی موضوعی پایان‌نامه‌ها درباره طلاق

دسته‌بندی موضوعی پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق در جدول ۴ تبیین شده است.

جدول ۴. دسته‌بندی موضوعی پایان‌نامه‌ها

ردیف	گروه موضوع پایان‌نامه‌ها	فراوانی	درصد
۱	میزان گرایش، علل و عوامل مؤثر، نگرش، گونه‌شناسی، چالش‌های طلاق	۴۶	۱۴/۹۰
۲	مقایسه تطبیقی طلاق در حقوق ایران و سایر کشورها	۱۷	۵/۵۰
۳	طلاق از منظر دینی و فقهی (چیستی، انواع، دیدگاه اندیشمندان، علل و عوامل، افزایش و کاهش)	۳۹	۱۲/۶۳
۴	معیارهای همسرگزینی و طلاق	۲	۰/۶۵
۵	بررسی الگو و طرح‌واره‌های روان‌شناختی مختلف و تأثیر آن در کاهش یا افزایش طلاق	۴۰	۱۲/۹۶
۶	بررسی عوامل روان‌شناختی مؤثر بر رضایت از زندگی زناشویی و عدم آن	۳۳	۱۰/۶۸
۷	نگرش، حقوق زوج و زوجه و طلاق در ایران	۳۲	۱۰/۳۶
۸	پیامدهای (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، روانی) طلاق	۲	۰/۶۵
۹	نگرش جنسیتی به طلاق	۷	۲/۲۷
۱۰	گرایش‌های (فرهنگی، ارزشی، نگرش خانوادگی)، سبک زندگی و کیفیت زندگی و طلاق	۳۳	۱۰/۶۸
۱۱	نگرش، حقوق زوج و زوجه و طلاق در ادیان و مذاهب مختلف	۲۶	۸/۴۲
۱۲	تحولات حقوقی و جمعیتی انحلال خانواده	۷	۲/۲۷
۱۳	فرزندان طلاق (بررسی حقوقی، روانی، جامعه‌شناختی)	۲۲	۷/۱۲
۱۴	ارزیابی کارایی خانواده و طلاق	۳	۰/۹۷
جمع		۳۰۹	۱۰۰

جدول ۴ نشان می‌دهد که ۱۴ محور موضوعی در نظر گرفته شده که پژوهش‌گران در این پایان‌نامه بدان پرداخته‌اند. ۱۴/۹۰ درصد پایان‌نامه‌ها میزان گرایش، علل و عوامل مؤثر، نگرش، گونه‌شناسی و چالش‌های طلاق را بررسی کرده‌اند. مهم این‌که اغلب این موضوع‌ها را محققان رشته‌های علوم اجتماعی و زیرشاخه‌های آن انتخاب کردند و سپس انجام دادند. این پژوهش‌گران، در پایان‌نامه‌های مذکور، از نظریه‌ها و دیدگاه‌های علمی بهره برده‌اند. برخی از یک نظریه و برخی دیگر از چند نظریه، به‌علت جامعیت موضوع، استفاده کرده‌اند و متغیرهای مستقل از درون چهارچوب نظری مشخص شده‌اند. پس‌از آن، ۱۲/۹۶ درصد پایان‌نامه‌ها به بررسی الگو و طرح‌واره‌های روان‌شناختی مختلف و تأثیر آن در کاهش یا افزایش طلاق پرداخته‌اند که پژوهش در این موضوع را محققان رشته علوم تربیتی و روان‌شناسی و زیرشاخه‌های آن برگزیده‌اند. آن‌ها با تحقیقات تجربی درباره ابعاد بالینی عملکرد اعضای خانواده در مواجهه با مسئله طلاق قبل و پس‌از آن و متناسب با رشته خود از آزمون‌های روان‌شناختی (دل‌بستگی، صفات هم‌دلی باتسون، خرده‌مقیاس خشم و نگرش مذهبی، مقیاس الگوی ارتباطی خانواده) این پژوهش‌ها را به‌انجام رسانده‌اند و از مدل‌ها و طرح‌واره‌هایی برای ارزیابی و شناسایی زمینه‌های مشکل‌زا در روابط زناشویی، سنجش نقاط قوت و ضعف، مقیاس سنجش خانواده مانند سازه‌های حل مسئله، پاسخ‌دهی و آمیختگی عاطفی، کنترل رفتار، نقش‌ها بهره برده‌اند.

۱۲/۶۳ درصد پایان‌نامه‌ها به بررسی طلاق از منظر دینی و فقهی مانند چیستی، انواع، دیدگاه اندیشمندان، علل و عوامل، افزایش و کاهش اختصاص دارد که در این بین، اغلب پژوهش‌گران الهیات و معارف اسلامی و زیرشاخه‌های آن با بهره‌گیری از دیدگاه قرآن و روایات اسلامی و نظریات اندیشمندان به تبیین طلاق و مسائل مرتبط با آن پرداخته‌اند. برطبق جدول ۴، ۱۰/۶۸ درصد پایان‌نامه‌ها به بررسی گرایش‌های فرهنگی، ارزشی، نگرش خانوادگی، سبک زندگی، کیفیت زندگی، طلاق و عوامل روان‌شناختی مؤثر بر رضایت از زندگی زناشویی و عدم آن پرداخته‌اند. در این بین، اغلب پژوهش‌گران این دسته از پایان‌نامه‌ها دیدگاهی بر مبنای مطالعات چندرشته‌ای داشته‌اند. یعنی آن‌ها از دیدگاه تقلیل‌گرایانه پرهیز کردند و از ترکیب و تلفیق دانش و روش‌های دو یا چند حوزه علمی روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فقهی - حقوقی بهره برده‌اند. برای شناخت جامع برخی مفاهیم پیچیده نظیر طلاق پژوهش‌گران به تعامل بین رشته‌های گوناگون برای شناخت کلیت ابعاد متنوع طلاق نیاز دارند تا بر همه متغیرهایی که در شکل‌گیری طلاق تأثیرگذارند شناختی جامع حاصل کنند.

در مجموع، یافته‌ها برای پاسخ به این سؤال نشان می‌دهد که پایان‌نامه‌های رشته‌های اخلاق، حقوق و علوم سیاسی، علوم پزشکی از نظر موضوعی براساس نیازهای جامعه طراحی نشده‌اند. این جاست که اهمیت پیشینه تحقیق و امکان‌سنجی موضوع بیش از پیش نمایان می‌شود.

با بررسی گروه موضوع پایان‌نامه‌های رشته مطالعات زنان درمی‌یابیم که محدود پایان‌نامه‌های دانشجویان رشته مطالعات زنان به موضوع طلاق به‌مثابه مشکلی عادی توجه کرده‌اند. هدف اغلب این ۶/۸ درصد پایان‌نامه، توجه به اموری صرفاً نظری بوده است که اگر از منظر کاربردی به آن‌ها بنگریم، ممکن است خواننده زمینه فکری و دید کلی کم‌تری به آن موضوع داشته باشد؛ نظیر طلاق از منظر فمینیسم و به‌نحوی نباشد که این رشته برای انتقال اندیشه‌های فمینیستی صرف نامی را یدک بکشد. در شرایطی که جامعه ایران با مشکلات بسیاری در زمینه طلاق و ارتباط آن با خانواده و قوانین دست‌وپنجه نرم می‌کند، می‌بایست پژوهش‌گران این رشته از امور صرفاً نظری درمورد طلاق بپرهیزند و به موضوع طلاق به‌صورت کاربردی توجه کنند.

## ۸.۸ جهت‌گیری پایان‌نامه‌ها در قبال زن محوری موضوع

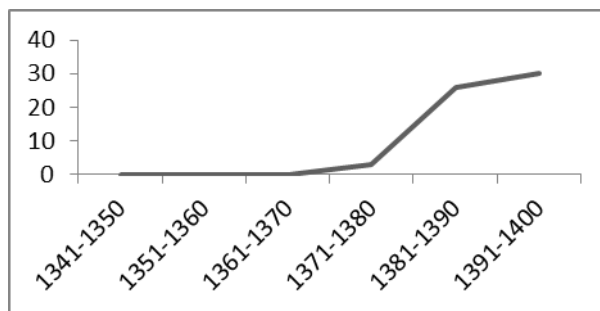
در این قسمت به این پرسش پاسخ داده می‌شود که پژوهش‌های صورت‌گرفته با محوریت طلاق از سال ۱۳۴۹ تاکنون در ایران درمورد دیدگاه جنسیت محوری (زن) از چه جهت‌گیری برخوردارند.

جدول ۵. فهرست جهت‌گیری پایان‌نامه‌های مرتبط با طلاق با تمرکز بر زنان  
به ترتیب توزیع و درصد فراوانی

رشته	گرایش	فراوانی رشته‌ها و گرایش‌ها با تمرکز بر محور طلاق	فراوانی پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق در هر رشته و گرایش با تمرکز بر زنان	درصد فراوانی
الهیات و معارف اسلامی	فقه و مبانی حقوق اسلامی	۶۰	۴	۵/۹۷ پراخته‌اند
	ادیان و عرفان	۲	۰	۹۴/۰۳ پراخته‌اند
	فقه شافعی	۲	۰	
مطالعات زنان	قرآن و حدیث حقوق زن در اسلام	۳ ۹	۲	۳۳/۳۳ پراخته‌اند

	۵	۱۲	زن و خانواده	
علوم تربیتی ۲	۲	۲۹	روانشناسی تربیتی	۱۹/۲۸ پرداخته‌اند
	۲	۵	مشاوره و راه‌نمایی	
	۱۲	۴۹	مشاوره (مدرسه، شغلی، خانواده و توان‌بخشی)	۷۱/۸۱ نپرداخته‌اند
روانشناسی	۲	۱۶	عمومی	۱۶/۶۷ پرداخته‌اند
	۱	۴	بالینی	
	۲	۱۰	خانواده‌درمانی	۸۳/۳۳ نپرداخته‌اند
علوم اجتماعی	۹	۳۲	جامعه‌شناسی	۲۶/۱۹ پرداخته‌اند
	۲	۴	پژوهش علوم اجتماعی	
	۰	۲	مطالعات فرهنگی	
	۰	۳	جمعیت‌شناسی	۷۳/۸۱ نپرداخته‌اند
	۰	۱	برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی	

جدول ۵ نشان می‌دهد که رشته مطالعات زنان با ۳۳/۳۳ درصد بیش‌ترین درصد را از منظر پرداختن به طلاق با رویکرد زن‌محوری دارد و علوم اجتماعی با ۲۶/۱۹ درصد، علوم تربیتی ۲ با ۱۹/۲۸ درصد، روان‌شناسی با ۱۶/۶۷ درصد، الهیات و معارف اسلامی با ۵/۹۷ درصد در رده‌های بعدی قرار دارند. لازم به ذکر است که سایر رشته‌ها و گرایش‌ها پایان‌نامه‌ای با محوریت طلاق با رویکرد زن‌محوری نداشتند.



نمودار ۲. جهت‌گیری پایان‌نامه‌های انجام‌شده با محوریت طلاق با رویکرد زن‌محور

بر اساس نمودار ۲، پایان‌نامه‌های سال‌های ۱۳۹۱ - ۱۴۰۰ از بیش‌ترین فراوانی با رویکرد زن‌محور برخوردارند و پس‌از آن، در سال‌های ۱۳۸۱ - ۱۳۹۰، ۱۳۷۱ - ۱۳۸۰، ۱۳۵۰ - ۱۳۶۰، ۱۳۶۱ - ۱۳۷۰، ۱۳۴۰ - ۱۳۵۰ به ترتیب با ۳۰، ۲۶، ۳ بیش‌ترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

از آن‌جاکه زن، طلاق، خانواده در یک پیوستار از منظر شناختی قرار می‌گیرند، براساس یافته‌های پژوهش، می‌توان جنسیت‌محوری (زن‌محوری) را در این مقاله از دو جنبه بررسی کرد. نخست، یافته‌های این پژوهش نشان داد که آگاهی‌نداشتن و بهره‌نبردن از سه روش‌شناسی بنیادین و پارادایمی و کاربردی توسط محققان این پایان‌نامه‌ها با رویکرد جنسیت‌محور (زن) باعث شده که برخی پایان‌نامه‌های میدانی مذکور توجهی به ویژگی لوگوس و اروس نداشته باشند. از آن‌جاکه سروکار این پایان‌نامه‌ها با زنان بوده است و زنان نیز، برخلاف مردان، کلامشان نشانی از درونی رمزآلود است که با سکوت خود همه‌چیز را در تعلیق نگه می‌دارند، این دانشجویان سکوت زنان را مشکلی تکنیکی در زمینه جمع‌آوری اطلاعات در نظر گرفته‌اند، درحالی‌که می‌توانستند از نظریه‌هایی که در مورد لایه‌های پنهان سخنان افراد، که در بستر فکری و شیوه زندگی آن‌ها شکل گرفته است، استفاده کنند. لوگوس، به معنای سخن‌گفتن، ویژگی مرد است که اصرار دارد با صدای بلند فکر کند و اندیشه‌اش را به زبان آورد و از آن مفهومی بسازد و ابرازش کند. درحالی‌که زن، که دارای ویژگی اروس است، می‌تواند چیزهایی را در تعلیق نگاه دارد و لازم نیست همه‌چیز در او به زبان درآید. سخن زنانه هدفی متفاوت از سخنان مردانه دارد. برای زن مهم است که تفاوت‌ها را بپوشاند یا آن‌ها را به هم مربوط کند (یونگ ۱۳۸۷: ۱۹۷-۱۹۸).

دوم، براساس یافته‌های این پژوهش، موضوع زن بیش‌تر محور موضوعات مطالعات زنان، علوم اجتماعی، علوم تربیتی، روان‌شناسی، الهیات و معارف اسلامی به طلاق مربوط است نه محور تمامی رشته‌هایی که پایان‌نامه‌های آنان با محوریت طلاق است. در این سه رشته، بیش‌تر بر ابعاد عملکردی و عاطفی زنان توجه شده است. قرارگرفتن زن در محور موضوع پژوهش‌های حقوق و علوم سیاسی در مبحث طلاق در این مطالعه وجود ندارد و در رشته الهیات و معارف اسلامی در مقایسه با سایر رشته‌ها اندک است. آنچه در مسئله طلاق می‌تواند مانعی برای آسیب‌پذیری زنان باشد، پشتیبانی حقوقی و فقهی از آن‌ها و پرداختن به حقوق آن‌هاست.

## ۹. نتیجه‌گیری

رشد روزافزون طلاق به مثابه پدیده‌ای اجتماعی سبب شده که به موضوع طلاق در جامعه ایران، از سطح کلان تا خرد، توجه شود. آموزش عالی و دانشگاه‌ها کارکردهای آموزشی و

پژوهشی دارند و در این میان، پژوهش‌گرانی هستند که بررسی پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌های دانشجویی بخشی از کار پژوهشی آن‌هاست. پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق نشان‌دهنده کارکرد پژوهشی دانشگاه‌ها و به‌منزله یکی از اشکال پژوهش‌هاست.

موضوع روش و روش‌شناسی در سطوح گوناگون مطرح می‌شود. روش‌شناسی را می‌توان دانشی در نظر گرفت که متأخر از برخی دانش‌هاست. پس، روش‌شناسی مؤخر از روش است. اگر به چستی روش عمیق‌نگریسته شود، به تفاوت بین روش و روش‌شناسی می‌توان دست یافت؛ روش مسیری است که برای کسب معرفتی طی می‌شود، ولی غیر از روش‌شناسی است. روش‌شناسی معرفتی است که موضوع آن روش است. این روش‌شناس است که با تکیه بر مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی، که در دامنه علم مدنظرش پذیرفته است، روش خاصی را شناسایی می‌کند (پارسانیا ۱۳۸۸). روش‌شناسی بنیادین و پارادایمی و کاربردی، به‌مثابه یک پیوستار، سه روش‌شناسی متفاوت‌اند که در عین حال با یکدیگر در ارتباط‌اند. اگر میان روش‌شناسی بنیادین و پارادایمی و کاربردی هماهنگی و تطابق برقرار نباشد، نقد روش‌شناختی بدان وارد خواهد بود.

از سال ۱۳۴۹ تاکنون، پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق همانند سایر پژوهش‌ها از اشتباه و خطاهای مختلف مبرا نبوده‌اند، یکی خطاهای روش‌شناختی است که به گسست بین روش‌شناسی بنیادین و پارادایمی و کاربردی اشاره دارد. پایان‌نامه‌ها بایستی از اصول موضوعی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، که در شکل‌گیری چهارچوب روش‌شناسی بنیادین سهم مهمی دارند، بهره ببرند و این روش‌شناسی بنیادین است که در قبال روش‌شناسی کاربردی قرار دارد و در نتیجه براساس چهارچوب روش‌شناختی (بنیادین، پارادایمی، کاربردی)، ابعاد گوناگون پدیده موردتحقیق به‌طور علمی بررسی و تحلیل می‌شود. به‌نظر می‌رسد یکی دیگر از خطاهای رایج در برخی از پایان‌نامه‌های با محوریت طلاق این است که از نظر موضوعی، روش‌شناسی، و روش براساس نیازهای جامعه انتخاب و طراحی نشده‌اند. این‌جاست که اهمیت پیشینه تحقیق و امکان‌سنجی موضوع و روش، بیش از پیش، نمایان می‌شود.

نکته‌ای که پژوهش‌گران این مقاله در طرح انسان‌شناسی فلسفی مدنظر داشتند این بود که علاقه و دانش صرف به روش‌های مبتنی بر پارادایم اثبات‌گرایی، کلی‌گرایی، آمار و ارقام موجب شده تا در برخی از پایان‌نامه‌ها از توجه به عمق پژوهش‌های رفتاری، یعنی دست‌یافتن به تعابیر گوناگون کنش‌گران از معانی رفتارها و افکار خود و دیگران غفلت

ورزند و نقش پژوهش‌گر را شناسایی نظم روابط پدیده مورد مطالعه به وسیله تظاهرات بیرونی آن بدانند. در صورتی که تأمل در مسئله و نتایج حاصل از آن پایان‌نامه‌ها نشان داد که می‌بایست این پایان‌نامه‌ها از روش‌های مبتنی بر پارادایم تفسیری بهره‌گیرند.

آنچه در موضوع طلاق می‌تواند مانعی برای آسیب‌پذیری زنان باشد، پشتیبانی حقوقی و فقهی از آن‌ها و پرداختن به حقوق آن‌هاست، زیرا در برخی مواقع حقوق زنان در مسئله طلاق، چنان‌که شایسته است پاس داشته نمی‌شود و هم‌چنین برخی از زنان از حقوق خود چندان آگاهی ندارند. پس، برای رفع این مشکل پیش‌نهاد می‌شود که با افزایش پژوهش‌های علمی و معتبر، در رشته‌های الهیات و معارف اسلامی و حقوق، کوشش بر آن باشد تا احقاق حقوق زنان در جامعه به‌ثمر نشیند، البته این تلاش باید بر پایه و اهداف اسلامی بنا شده باشد.

در نهایت، ماهیت سرگردان سطوح نظری و یافته‌های این پایان‌نامه‌ها راه‌کارهایی را ارائه می‌دهند که نتیجه آگاهی‌نداشتن یا به‌درستی بهره‌نبردن از سه روش‌شناسی بنیادین، پارادایمی، کاربردی توسط پژوهش‌گران است. هدف اغلب این پایان‌نامه‌ها می‌بایست منجر به راه‌کارهایی پیش‌گیرانه و حقوقی و اجرایی برای سازمان‌ها و مؤسسات مرتبط با طلاق باشد که در اغلب پژوهش‌ها نادیده گرفته شده است. پژوهش‌گران مقاله حاضر این موضوع را به‌نقد می‌کشند که اغلب این پایان‌نامه‌ها از منظر فقدان روش‌شناختی صحیح یک‌سان‌اند و حتی نقص‌های پژوهش‌های پیشین را برطرف نمی‌کنند و غنای روش‌شناسی لازم برای تحقیقات بعدی را ندارند و سرانجام این‌که دور باطلی از اشکالات روش‌شناختی قرار گرفته‌اند. در نتیجه، پژوهش‌گران بعدی، که اغلب دانشجوییند، با تکیه بر این پایان‌نامه‌ها، ممکن است به نواقص روش‌شناختی پایان‌نامه‌های دچار شوند، زیرا دانشجویان معمولاً به پایان‌نامه‌های دفاع‌شده، بدون شناسایی و مطالعه نقادانه صحیح در مورد صحت محتوای آن‌ها، اعتماد می‌کنند و آن‌ها را معتبر می‌شمرند و مبنایی برای پیش‌برد کار پژوهشی خود می‌شناسند. پس، کندوکاو نقادانه درباره کیفیت روش‌شناختی پایان‌نامه‌ها برای نظام آموزش دانشگاهی می‌تواند پراهمیت باشد، زیرا به افزایش کیفیت روش‌شناختی پایان‌نامه‌ها کمک می‌کند. آن‌جاست که این پایان‌نامه‌ها می‌توانند به‌مثابه ابزارهای تحقیقاتی تلقی شوند که هدف آن‌ها افزایش اعتماد به‌نفس و قدرت ابداع و ابتکار باشد و متولیان دانشگاه هم می‌توانند از آشنایی دانش‌آموختگان با دانش روش‌شناختی و آگاهی از روش‌های پیشرفته تحقیق و آخرین دستاوردهای علمی اطمینان حاصل کنند.



## کتاب‌نامه

- ازکیا، مصطفی و علیرضا دربان‌آستانه (۱۳۸۲)، *روش‌های کاربردی تحقیق*، تهران: کیهان.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۰)، *مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بازرگان، عباس (۱۳۸۵)، «ضرورت توجه به دیدگاه‌های فلسفی زیربنایی معرفت‌شناسی در علوم انسانی برای انتخاب روش تحقیق با تأکید بر روش‌های کیفی پژوهش و ارزش‌یابی آموزشی»، در: *مجموعه مقالات علوم تربیتی*، سمت: تهران.
- بتون، تد و یان کرایب (۱۳۸۴)، *فلسفه علوم اجتماعی*، ترجمه شهناز مسمی‌پرست و محمود متحد، تهران: آگه.
- پارسانیا، حمید (۱۳۸۸)، «روش‌شناسی علوم انسانی با رویکرد اسلامی»، فصل‌نامه عیار پژوهش در علوم انسانی، س ۱، ش ۲.
- پارسانیا، حمید (۱۳۹۰)، *روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی*، قم: کتاب فردا.
- پارسانیا، حمید (۱۳۹۲)، «روش‌شناسی بنیادین تکوین نظریه‌های علمی»، فصل‌نامه راهبرد فرهنگ، ش ۲۳.
- چالمرز، آلن. اف. (۱۳۷۸)، *چیستی علم؛ درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی*، ترجمه سعید زیباکلام، تهران: علمی و فرهنگی.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۱)، «نظریه و روش در تحقیقات کیفی»، فصل‌نامه علوم اجتماعی، ش ۱۷.
- ساروخانی، باقر (۱۳۹۴)، «نظریه‌پردازی در زمینه طلاق و طلاق توافقی»، *انجمن جامعه‌شناسی ایران*، <http://www.isa.org.ir>.
- ساعی، علی (۱۳۸۷)، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: سمت.
- طالقانی، سیدمحمود (۱۳۸۱)، *روش تحقیق نظری*، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۸)، *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، تهران: نشر نی.
- فی، برایان (۱۳۸۱)، *فلسفه امروزی علوم اجتماعی؛ نگرشی چندفرهنگی*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.
- کاظمی‌پور، شهلا و اعظم خوشنویس (۱۳۹۲)، «فراتحلیل مطالعات انجام‌شده در زمینه سطح، روند و تعیین‌کننده‌های طلاق در ایران و کشورهای منتخب طی سال‌های ۹۰-۱۳۶۵»، فصل‌نامه مطالعات جمعیتی، ش ۱.
- کرسول، جان دلبیو (۱۳۹۳)، *طرح پژوهش: رویکردهای کیفی، کمی و ترکیبی*، ترجمه علیرضا کیامنش و مریم دانای طوس، تهران: جهاد دانشگاهی علامه طباطبایی.
- کرلینجر، فردریک (۱۳۸۰)، *مبانی پژوهش در علوم رفتاری*، ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی‌زند، تهران: آوای نور.

گال، مردیت، والتر بورک، و جوئیس گال (۱۳۸۳)، *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ترجمه احمدرضا نصر و دیگران، ج ۱ و ۲، تهران: سمت.

لطف‌آبادی، حسین، وحیده نوروزی، و نرگس حسینی (۱۳۸۶)، «بررسی آموزش روش‌شناسی پژوهش در روان‌شناسی و علوم تربیتی در ایران»، فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، س ۶، ش ۲۱.

محمدپور، احمد (۱۳۸۹)، *روش در روش؛ درباره ساخت معرفت در علوم انسانی*، تهران: جامعه‌شناسان.

نوذری، حسینعلی (۱۳۸۷)، *فلسفه تاریخ روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری*، تهران: طرح نو.

یاوری بافقی، امیرحسین و محمد پوراسدی (۱۳۹۰)، «رویکرد آمیخته‌پژوهی در امنیت پژوهی؛ چپستی و چرایی»، فصل‌نامه مطالعات مدیریت انتظامی، س ۶، ش ۴.

یحیی‌زاده، حسین و محبوبه حامد (۱۳۹۴)، «مسائل فرزندان طلاق در ایران و مداخلات مربوطه؛ فراتحلیل مقالات موجود»، *مطالعات زنان و خانواده*، س ۳، ش ۲.

یونگ، کارل گوستاو (۱۳۸۷)، *سمینار یونگ درباره زرتشت نیچه*، ترجمه سپیده حبیب، تهران: کاروان.

- Ahmed, J. U. (2010), "Documentary Research Method: New Dimensions", *Journal of Management & Social Science*, vol. 4, no. 1.
- Aiken, L. S. et al. (1990), "Graduate Training in Statistics, Methodology, and Measurement in Psychology", *American Psychologist*, vol. 45, no. 6.
- Baily, K. D. (1994), *Method of Social Research*, New York: The Free Press.
- Calhoun, Craig (2002), *Dictionary of the Social Sciences*, United King: Oxford University Press.
- Flick, U. , E. von Kardorff, and I. Steinke (2004), *A Companion to Qualitative Research*, trans. Bryan Jenner, London: Sage.
- Hunter, J. E. and F. L. Schmidt (2004), *Methods of Meta - Analysis; Correcting Error and Bias in Research Findings*, New Bury Park, C. A.: Sage.
- McCulloch, G. (2005), *Documentary Research; In Education, History and the Social Science*, London and New York: Taylor & Francis Ltd.
- Mogalakwe, M. (2006), "The Use of Documentary Research Method in Social Research". *African Sociological Review*, vol. 10, no. 1.
- Neuman, W. L. (1994), *Social Research Methods; Qualitative and Quantitative Approaches*, Boston: Allyn & Bacon.
- Rocco, Tonette S. et al. (2003), "Taking the Next Step: Mixed Methods Research in Organizational Systems", *Information Technology, learning, and performance Journal*, vol. 21, no.1.
- Sarantakos, S. (1998), *Social Research*, South Melbourne: Macmillan.
- Smelser, Neil J. (2003), "On Comparative Analysis, Interdisciplinarity and Internationalization in Sociology", *International Sociology*, vol. 18, no. 4.